

نقش گیاهان در درمان بیمارهای انسانی بین کرمانج‌های خراسان

سلیم سلیمی مؤید^۱

چکیده

پژوهش و بررسی طب عامه و پزشکی سنتی یکی از محورهای مهم مطالعات انسان‌شناسی است. نظریه‌های مربوط به مسائلی همچون طب عامه، گیاه‌درمانی، درمان‌های غیر گیاهی، دعادرمانی، جادو درمانی و در مواردی نیز به طلسم و تعویذ و اموری مشابه آن‌ها می‌پردازد. به واسطه وفور و تنوع گیاهان دارویی و تعدد درمان‌ها طب گیاهی در ایران یادآور فرهنگ دیرین و غنی این سرزمین است. درمان از طریق گیاه بیانگر فرهنگ قومی و تجربه عملی مردم در ادوار کهن برای پیشگیری و درمان بیماری‌هاست. به عبارتی استفاده از گیاهان متعدد و گوناگون در کنار درمان‌های متنوع دیگر یادآور می‌شود که بهره‌گیری از گیاه و خصوصاً ساقه، برگ، گل، ریشه و... برای درمان و تسکین دردها و آلام روحی و جسمی ریشه در تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم دارد، زیرا در طول تاریخ انسان برای سلامتی خود و دیگران کوشش کرده و همواره مفیدترین و مؤثرترین راه را برای درمان انتخاب نموده است. انسان همواره با آزمایش، تکرار و تمرین علاوه بر پیشگیری از ابتلا به بیماری‌ها در درمان آن‌ها نیز به موفقیت‌هایی دست یافته است. مطالعه و بررسی نقش گیاهان دارویی در درمان بیماری‌ها در مناطق کرمانج‌نشین خراسان به ما این امکان را می‌دهد تا علاوه بر دستیابی به روش‌های تشخیص و درمان بیماری‌ها و امراض نسبت به نحوه استفاده از گیاهان مختلف برای امراض گوناگون اطلاعاتی را به دست آوریم. به این وسیله می‌توانیم در تبیین و تشریح آن‌ها به نماد و نشانه‌هایی از انواع آیین و رفتارهای آیینی و اعمال ماورایی واقف گردیم.

۱. کارشناس ارشد مردم‌شناسی و مدیر امور پژوهشی، پژوهشکده مردم‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.
Email: salime_salimi@yahoo.com

در این مقاله تلاش می‌شود تا موارد استفاده از گیاهان دارویی در بین کرمانج‌های شهرستان‌های کلات نادری، درگز و قوچان بررسی شود. در این پژوهش سعی داریم تا با ذکر نام گیاه، نحوه درمان، شیوه‌های تبدیلی گیاه به عرقیات، قسمت‌های مورد استفاده دارویی گیاه، میزان استفاده، زمان استفاده، مقدار استفاده و مواردی از این دست برای پیشگیری و درمان بیماری‌ها را محور پژوهش خود قرار داده و نسبت به ثبت و ضبط آن اقدام نماییم.

واژگان کلیدی

کرمانج، درمان گیاهی، پیشگیری، درمان، بیماری، امراض

مقدمه

در مناطق شمالی استان‌های خراسان شمالی و رضوی قرن‌هاست که چندین گروه قومی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. این اقوام که امروزه از ساکنان بومی این سرزمین محسوب می‌شوند، گاه به صورت خودخواسته و گاه به فرمان حکام و شاهان در دوره‌های تاریخی متعدد و به توالی به این نواحی نقل مکان نموده‌اند. تمام ساکنان این منطقه مهاجر نیستند و در بین این گروه‌ها برخی از روستاها و به ویژه در برخی از نقاط شهری ساکنان اولیه این نواحی که عمدتاً به زبان فارسی تکلم نموده خود را از وارثان اصلی حوزه خراسان تلقی می‌کنند، مشاهده می‌شوند.

در بین گروه‌های قومی موجود در این مناطق کردهای موسوم به «کُرم‌انج» یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین اقوام ساکن در منطقه به شمار می‌روند. کردهای کرم‌انج حداقل از دوره صفویه به این‌سو برای جلوگیری از تاخت و تاز ترکمن‌ها و ازبک‌ها به این نقاط کوچانده شدند. کرم‌انج‌های کوچانده‌شده در قالب سه ایل بزرگ زعفرانلو، شادلو، قراچورلو و تعداد دیگری ایل کوچک و بزرگ بودند. شاهان صفویه از این اقوام به نوعی به عنوان دیواره انسانی در برابر مهاجمان به شمال شرق ایران استفاده نمودند. سیاست اعطای زمین به آن‌ها نیز باعث سکونت دائم ایشان در مناطق شمال خراسان شد.

کرم‌انج‌ها با گذشت چندین قرن از سکونت در این مناطق با پشت سرگذاشتن قحطی‌ها، جنگ‌ها و خشکسالی‌ها به نوعی با آب و هوا و اقلیم منطقه مانوس شدند و توانستند مسائل و مصائب محیطی و انسانی خود را حل نمایند. آن‌ها با استفاده از امکانات و مواهب الهی طبیعت و با بهره‌گیری از تجربیات و دانش همسایگان مشکلات خود را به مرور حل کردند. تا بدان حد که توانستند بر اقلیم و محیط خود غلبه و از آن استفاده کنند. تکیه اصلی این پژوهش بر روی کرم‌انج‌های

ساکن در روستاها و شهرهایی مانند، لاین، کلات نادری، درگز، قوچان، استاد، چرم کهنه، عمارت، حاتم قلعه، تیرگان، چنار، کالو، چوکانلو، یدک، آب جهان، ناوخ و اندرزی بوده است.

گردآوری اولیه اطلاعات در این پژوهش صرفاً با استفاده روش مطالعه میدانی و با حضور نگارنده در محل، مشاهده و مصاحبه با افراد بومی و مطلعان محلی بوده است. در این پژوهش تلاش بر آن بوده تا اطلاعات مربوط به گیاهان و شیوه‌های درمان گیاهی کردهای کرمانج در یک مجموعه گردآوری و ثبت شود. غالب نقاطی که کردهای کرمانج در آن سکونت دارند، شامل ارتفاعات و کوهپایه می‌شود. به همین دلیل این گروه با آب و هوای کوهستانی درگیر بوده و علاوه بر فائق آمدن بر آن توانسته‌اند از مواهب کوه و دامنه‌های پر نعمت آن بهره گرفته و در کنار استفاده از تمام داده‌های آن از گیاهان محلی نیز برای درمان به بهترین شیوه استفاده کنند. کرمانج‌های ساکن این مناطق در زمان مهاجرت به همراه آداب، رسوم و آیین مخصوص خود به این مناطق آمده‌اند، ولی با گذشت زمان به داد و ستد فرهنگی با همسایگان خود وارد شدند و این باعث غنای فرهنگی آنان شد. در این بخش به شیوه‌های درمان که در آن‌ها از گیاهان استفاده می‌شود، اشاره می‌کنیم:

آلبالو: برای دفع سنگ کلیه، بند آلبالو را از میوه آن جدا کرده و می‌خورند.

آلوچه: برای رفع کرم روده آلوچه را جوشانده و آب به دست‌آمده از آن را همراه با غذا می‌خورند.

آلوی وحشی: معمولاً لوزه‌ها بعد از سرماخوردگی چرک می‌کند و پس از آن درد و ورم گلو بیمار را آزار می‌دهد. به همین خاطر مقداری از آلوی وحشی (در گویش محلی «ترشک^۱») را جوشانده بر روی پارچه‌ای پهن می‌کنند، سپس آن را

بر روی لوزه‌ها می‌بندند. سعی می‌کنند گلو را به مدت یک شب تا صبح گرم نگه دارند.

آنخ: در اصطلاح گیاه طبی «ککتو»^۲ که در فارسی آن را کاکوتی و در گویش کردی کرمانج «آنخ»^۳ می‌نامند. «آنخ» گیاهی ریشه‌دار و چندساله است که در نواحی شمالی خراسان می‌روید.^۴

آنغوزه:^۵ آنغوزه در گویش کرمانجی به «ایران لوطی»^۶ یا «ئیرم لوطی»^۷ یا «کلِ کلی»^۸ معروف است. «ایران لوطی» گیاهی است طبی که در ارتفاعات منطقه یافت می‌شود. این گیاه ساقه بلندی دارد. درمانگران بومی آن را در کوه و دشت می‌بندند و ساقه آن را اندکی خراش می‌دهند تا شیر گیاه از آن بیرون بزند. سپس شیر به دست آمده سقّزمانند را جمع کرده برای دل‌درد، سردرد، دفع انگل، سرماخوردگی و استخوان‌درد بکار می‌برند. گاه نیز آن را در روغن تفت داده و یا همانند اشکنه آن را می‌پزند و می‌خورند تا ضعف ناحیه پا و باد آن را برطرف کند. در برخی نقاط روستایی برای درمان انگل و کرم روده، کم‌درد و یا پادرد برگ این گیاه را می‌جوشانند، آب آن را صاف می‌کنند و می‌خورند. بسیاری از مردم نیز آن را در آتش می‌ریزند و می‌خورند. در نقاطی هم برای درمان نفخ و یا درمان سگته مغزی و قلبی برگ این گیاه را می‌جوشانند و می‌خورند. این ماده غلیظ را به شکل شربت بین سه تا چهار بار در روز به نوزاد می‌خورانند. در باور برخی «آنغوزه» همانند تریاک برای هر درد و مرضی خوب، مفید و تأثیرگذار است.

آویشن شیرازی: گل‌های زردرنگ گیاهی به نام «هفشان شیرازی» را می‌جوشانند و برای درمان درد استخوان، رفع استفراغ و تهوع می‌خورند. «هفشان شیرازی» تلفظ محلی آویشن شیرازی است.

آویشن کوهی: غالباً آویشن کوهی را دم کرده و روزانه به جای چای می‌خورند.

اُرس: اُرس گونه‌ای سرو است که در مناطق کوهستانی می‌روید. سقز درخت اُرس (در اصطلاح محلی «مرخ»^۹) را بر روی پارچه‌ای می‌مالند و محل شکستگی را با آن می‌بندند. برای درمان دل‌درد تخم درخت «اُرس» را می‌کوبند و با مقداری قند مخلوط کرده و به بیمار می‌خورانند.

اسپند: از مصارف اسپند دفع چشم‌زخم و نگاه بد است؛ گاه نیز برای ضد عفونی و خوشبو نمودن محیط آن را دود می‌کنند، ولی برای رفع یبوست نیز اسپند را دم کرده و همانند چای به بیمار می‌دهند.

اسفرزه: اسفرزه (در گویش مناطق کرمانج‌نشین «قارن یارخ»^{۱۰} یا «قان یارق»^{۱۱}) دانه گیاهی است از خانواده بارهنگ که گونه‌های متعددی دارد. گیاه آن یک‌ساله، علفی و کوتاه است. برای درمان چشم‌درد یا از بین بردن گل‌مژه دو تا سه عدد از دانه‌های «قارن یارخ» را که به اندازه دانه زیره است، می‌شویند و درون چشم و زیر پلک قرار می‌دهند. سپس چشم را می‌بندند، بیمار نیز مدتی چشم خود را به صورت بسته نگه می‌دارد. برخی نیز برای کم کردن از درد چشم چند قطره از عصاره کوبیده آن را داخل چشم می‌ریزند.

اسفناج: برای درمان چرک سینه، جوشانده تخم اسفناج به بیمار می‌دادند.

الم چوک^{۱۲}: ابتدا ساقه درختچه «الم چوک» را جمع کرده و می‌جوشانند. سپس روغن آن را گرفته با روغن جو مخلوط می‌کنند. بعد آن را بر روی میخچه گذاشته می‌بندند تا به مرور بهبود یابد.

انجیر: برای درمان خشکی دست و صورت شیره برگ درخت انجیر از ساقه نورسته آن را بر روی نقاط خشک‌شده می‌مالند.

انگور: در برخی مواقع بر روی محل گزیدگی پشه و عفونت، شیره انگور را به خمیر اضافه کرده و روی محل نیش می‌گذارند.

انگور ریوی^{۱۳}: در اصطلاح اگر دندان دارای کرم باشد و به همین سبب دچار پوسیدگی گردد، دانه‌های گیاهی موسوم به «انگور ریوی» را که همانند دانه‌های انگور یا قوتی است، چیده و مقداری پشم را به روغن دنبه و دانه انگور ریوی آغشته نموده و فتیله‌ای درست می‌کنند. سپس مقداری خمیر می‌گیرند و سطح آن را مسطح می‌کنند و فتیله را به صورت عمودی در وسط آن می‌گذارند. بعد آن را در داخل سطلی که در کف آن مقداری آب ریخته‌اند قرار داده و فتیله را روشن کرده و پارچه‌ای به سر بیمار مبتلا به کرم دندان انداخته و بیمار را با آن بخور می‌دهند. در زمانی که بخور می‌دهند یک نفر با جارو بالای سر بیمار ایستاده و با آن به سر بیمار می‌زند و مرتب می‌گوید: «جیک جیک جیکان!» بر این باورند که با گفتن این جملات کرم‌ها از داخل دندان بیرون می‌ریزد.

اولینگ^{۱۴} یا اولینگ^{۱۵}: همان چای سبز موسوم به شاهانه بوده و برای درمان دل‌درد و پادرد افراد بزرگسال برگ گیاه «اولینگ» را در آتش ریخته و می‌خورند، ولی اگر کودک دل‌درد یا یبوست داشته باشد، ریشه گیاه «اولینگ» را کوبیده و می‌جوشانند. بعد آن را صاف کرده و اندکی از آب آن را به نوزاد می‌دهند. این گیاه خاصیت گرمی دارد. در برخی مناطق برای درمان زخم، ریشه این گیاه را جوشانده و تفاله به دست‌آمده را بر روی زخم می‌گذارند.

بارلنگ: برای درمان زخم و چشم درد، بذر سه گیاه «بارتنگ»، «بارلنگ» و «هویس» را با هم مخلوط نموده و بعد از صاف‌نمودن تفاله آن را بر روی زخم یا روی چشم بسته قرار داده و روی آن را می‌بندند. همچنین برای التیام درد معده و سینه بذر همین سه گیاه را با هم مخلوط نموده و بعد از صاف‌نمودن آب آن را می‌خورند، اما اگر فردی دارای سیاه‌زخم باشد، برای بهبود این‌گونه زخم‌ها و رفع

چرک زخم و سیم‌شدن زخم، برگ گیاهانی مانند بارتنگ، بارلنگ و «کنفچه»^{۱۶} را جوشانده و تفاله آن‌ها را با آرد جو مخلوط نموده و روی زخم می‌بندند.

گاهی مشکل، گرفتگی سینه است در این موقع برای درمان از «چهارتخم» استفاده می‌کنند. این مواد (شامل شیر زردآلوی تلخ، بارتنگ، بارلنگ و شیر کتیرا) را با هم مخلوط نموده و می‌جوشانند. بعد ماده به دست آمده که بسیار شبیه به عسل است را خورده و مدتی را در محلی گرم می‌مانند، ولی اگر بیمار نوزادی باشد که در ناحیه سینه دچار خشکی شود، بارتنگ و بارلنگ و شیر کتیرا و خاکشیر و دانه به و دانه سیب را با هم در قوری دم کرده ماده غلیظ را به شکل شربت بین سه تا چهار بار در روز به نوزاد می‌خورانند.

بارهنگ یا بارتنگ^{۱۷}: در بعضی روستاها برای بهبود زخم تخم «بارتنگ» را جمع کرده می‌جوشانند. بعد مقداری آرد به آن اضافه نموده، بر روی زخم می‌بندند. همچنین اگر بیمار دچار سردرد و خون‌دماغ یا به تشخیص درمان‌گر خون کثیف داشته باشد گل و برگ گیاهانی مانند بارتنگ، بلغ، گل چغر، بیرم نخودی، برگ درخت به و برگ درخت بید را جوشانده و در نهایت تفاله آن را با آرد جو مخلوط نموده بر سر گذاشته و می‌بستند. اگر بیمار دچار گرفتگی در رگ‌ها باشد، جوشانده بارتنگ به بیمار می‌دهند. در مواردی برای روان کردن سینه و رفع سرفه معمولاً دانه بارهنگ را دم کرده و سپس با خاکشیر مخلوط نموده به بیمار می‌خورانند. اگر در زمستان بخواهند تنگی نفس را مداوا کنند. دانه بارهنگ را دم کرده و به بیمار می‌دهند. در مناطق دیگر ایران هم استفاده از بارهنگ رایج است.^{۱۸}

بالنگ: بالنگ و خاکشیر را با هم می‌جوشانند، تفاله آن را پس از خشک کردن به گرد تبدیل می‌کنند. سپس هنگام مسمومیت به اندازه یک کف دست از آن را همراه با لیوانی آب می‌خورند.

برنج: به بیماری که سردی کرده ماست و برنج می‌دهند تا سردی بدن را رفع نماید.

به: هسته میوه درخت به را نرم کرده و در آب می‌خیسانند. سپس آب یا دانه خیس‌خورده به را به فردی که درد گلو یا چرکی در سینه دارد، می‌دهند. بیمار آن را در دهان خود نگه می‌دارد تا به اصطلاح لعاب دانه به مجرای سینه او را نرم کند.

بید: برای بریدن تب عرق آن‌ها را گرفته به عنوان تب‌بر استفاده می‌کردند. اگر بیمار تب به همراه لرز داشت پوست یک‌ساله درخت بید را کنده و عرق آن را با جوشاندن بیرون می‌کشند. سپس داخل ظرفی ریخته به بیمار می‌خورانند. برخی هم برگ تازه درخت بید را بر روی سینه بیمار می‌گذارند و مدتی در محل گرم نگهداری می‌کنند تا بیمار بهبود یابد، ولی اگر بیمار دچار کمردرد یا گرفتگی در ناحیه دست و پا می‌شد، پوست درخت بید را همراه روغن «مندو» می‌جوشانند و ماده به دست‌آمده را بر روی نقطه مورد نظر می‌مالیدند. برای صاف کردن خون کثیف و رفع سردرد و بند آمدن خون دماغ، نک. به مطالب ذیل «به».

پنجه شتر: از برگ گیاه تازه‌رسته پنجه شتر یا ازدانه‌های آن برای دفع کرم و انگل روده استفاده می‌کنند. برخی هم برگ آن را چیده و نمک‌سود کرده و می‌خورند.

پنیرک: پنیرک هم خانواده با ختمی، پنبه و بامیه است که با اولین باران در مزارع و زمین‌های مرطوب به صورت خودرو رشد می‌کند. گیاه پنیرک در گویش کرمانجی «نون جوجک»^{۱۹} نامیده می‌شود. دانه گیاه «نون جوجک» را با هاون کوبیده و به آن مقداری قند یا شکر و از این قبیل اضافه می‌کنند تا طعم آن بهتر گردد، سپس در زمان دل‌درد به اندازه کف دست به بیمار می‌خورانند. علاوه بر آن

برای درمان زخم و یا رفع یبوست گل و برگ آن را داخل آش ریخته به بیمار می‌دهند.

در برخی نقاط پنیرک را «بیرمنخودی»^{۲۰} یا «بیره نخودی»^{۲۱} می‌نامند. معمولاً بوته این گیاه را از کوه جمع نموده و بعد از خشک کردن آن را می‌کوبند تا نرم شود. سپس گرد بسیار تلخی که از آن به دست می‌آید را با قند مخلوط می‌کنند تا قابل خوردن شود. مقدار کمی از آن دل‌درد و شکم‌درد را بهبود می‌بخشد. برخی درمانگران ابتدا گیاه «بیره نخودی» را داخل دیگی می‌جوشانند و آب آن را داخل لیوانی ریخته بیمار را بالای لیوان می‌نشانند، سپس پارچه‌ای به سر بیمار کشیده و چند قطعه زغال را که قبلاً کاملاً گداخته‌اند داخل آب لیوان می‌اندازند. در این صورت بخار به دست آمده هنگام تنفس به داخل ریه و بینی بیمار رفته و خارش چشم بهبود می‌یابد.

در مواردی هم که معده تنبل شده و توان هضم غذا را ندارد یا فرد احساس می‌کند بعد از خوردن غذا معده‌اش سنگین شده یا نفخ کرده است، در اصطلاح می‌گویند که فلانی «پوده»^{۲۲} شده است. برای درمان «بیرمنخودی» را جوشانده و صاف نموده به بیمار کودک و بزرگسال می‌دهند. وقتی بیمار حس کند معده‌اش ترش کرده و یا کم اشتها شده و دل‌درد دارد، برای درمان آن مخلوطی از گیاهان طبی گل چغفر، بیرمنخودی، کاسنی و گندک می‌خورد، ولی برای کاستن از درد پا و دفع دل‌درد و تب و لرز برگ گیاه طبی «بیرمنخودی» را جوشانده و آب آن را صاف نموده و به اندازه یک قاشق چای‌خوری به بیمار می‌دهند.

پونه: پونه را در گویش محلی اصطلاحاً «بونگ»^{۲۳} می‌نامند و برای آن خاصیت گرمی قائلند. اگر فردی دچار گرمادگی شود، تن او را با آب پونه می‌شویند تا بهبودی حاصل شود. در مواردی هم فردی را که دچار مارگزیدگی شده است نزد

ملا برده و ملا با شاخه‌ای از پونه بر روی جای مارگزیدگی می‌زند و دعا و اورادی را بر زبان می‌آورد. ملا آن قدر می‌خواند تا به حکم خدا زهر زردرنگی به همراه چرک و خونابه از تن فرد گزیده شده خارج شود. برخی عرق گیاه پونه را گرفته و به بیماری که دل درد دارد، می‌دهند. یا این که پونه را داخل آش ریخته و پس از پختن می‌خورند. برخی هم ریشه پونه را جوشانده آب آن را به بیماری که یبوست داشته باشد، می‌دهند.

پیاز: بیمار مبتلا به رعشه را در اتاقی می‌نشانند، فرد دیگری در همان اتاق پیازداغ آماده می‌کند. بوی پیازداغ باعث می‌شود رعشه بیمار برطرف شود. بعضی از درمانگران نیز ترجیح می‌دهند برای درمان پشه‌گزیدگی، پیاز را در آتش انداخته و نیم‌پز کنند. سپس آن را کمی خنک نموده از وسط به دو نیم کرده بر روی محلی که نیش زده شده می‌گذارند.

جاروی وحشی: جاروی وحشی موسوم به «بَلْگ^{۲۴}» است و بوته‌ای بسیار شبیه به بوته «جارو نرمه» دارد. برای رفع سردرد ابتدا آن را یافته و گل‌های آبی‌رنگ آن را جمع کرده و می‌جوشانند. سپس تفاله به دست آمده را با آرد جو مخلوط و خمیری درست می‌کنند. بیمار خمیر به دست آمده را به روی سر گذاشته و روی آن را می‌بندد تا به مرور سردرد او التیام یابد.

جو: چنانکه یاد شد، از جوشانده ساقه الم چوک و روغن جو برای درمان میخچه نیز استفاده می‌شود.

چای: در این حوزه سرخی رگ‌های داخل چشم را «نزم» نامیده و برای بهبود آن ابتدا داخل چشم را با چای غلیظ شسته و بعد دورتادور چشم را با روغن حیوانی چرب می‌کنند. جوش روی لب را ناشی از ترس دانسته و آن را با چای غلیظ می‌شویند. برای رفع درد پهلوی معمولاً چای کم‌رنگ خورده و پهلوی را گرم

نگه می‌دارند. همچنین برای بهبود جوش داخل چشم ابتدا چشم را بسته و بر روی چشم تفاله چای گذاشته و با پارچه‌ای آن را می‌بندند. در برخی موارد برای تقویت و افزایش دید، داخل چشم را با چای سرد شستشو می‌دهند.

چای کوهی: چای وحشی را در روستای چَرَم کهنه «هلی میخک»^{۲۵} نامیده و معمولاً از ارتفاعات منطقه برداشت می‌شود. «هلی میخک» برای آرامش اعصاب و روان خوب و مفید بوده و علاوه بر آن برای رفع خستگی بسیار مناسب و مورد استفاده عموم است. در شهر لاین، «قره قات» نوعی چای کوهی بوده و به رنگ قرمز و مزه آن اندکی به ترشی می‌زند. در روستای عمارت، نوعی چای محلی با نام «قدوس»^{۲۶} را دم نموده برای تسکین دل‌درد، درد معده یا ناراحتی قلبی و حتی درد کلیه همانند چای می‌خورند.

چوبک: برای کاستن از درد دندان، بوته گیاه چوبک (در اصطلاح محلی «چوقان»^{۲۷}) را ابتدا می‌جوشانند. سپس بیمار با آب به دست‌آمده غرغره و دهان‌شویه می‌کند.

حنا: برای تقویت و جلوگیری از ریزش مو، گل گیاه «خیجه بانو»^{۲۸} را با حنا مخلوط کرده و دو ساعت قبل از استحمام به سر می‌گذارند. سپس به حمام می‌روند و آن را کاملاً می‌شویند. این کار باید به مدت دو هفته ادامه یابد. برخی از مردم تنها به گذاشتن حنا بر سر اکتفا می‌کنند، برخی نیز برای رفع سردرد مخلوطی از حنای سیاه یا رنگ ریش با زرده تخم مرغ را در دو نوبت بر سر می‌گذارند. در موارد بسیاری برای درمان رفع خارش بدن مخلوط شاتره، ماست گاوی و حنا را به محل‌هایی از بدن که خارش دارد، می‌مالند.

خارخسک: برای درمان «خروسک» برگ گیاه خارخسک (در گویش محلی: «خروسک») را می‌جوشانند، صاف می‌کنند و به بیمار می‌خورانند.

خارشتر: گیاهی است پرشاخه، دارای ساقه‌های خاردار و برگ‌های ساده و کوچک. از اختصاصات آن این است که میوه‌هایی بندبند با ظاهری منظم دارد. برخی خارشتر را از بیابان چیده عرق آن را می‌گیرند و به بیماری که سنگ کلیه دارد، می‌دهند.

خاکشیر: برای بیمارانی که دستگاه گوارشی آن‌ها مرتب و منظم کار نمی‌کند یا مشکل دفع دارند، خاکشیر مفید است. در این صورت مقداری خاکشیر را با قند یا با شکر مخلوط نموده داخل آب جوش ریخته به بیمار می‌خورانند. برخی نیز برای درمان آبله خاکشیر را دم کرده به بیمار می‌دهند. با این کار روند بهبودی را تسریع می‌بخشند. بسیاری نیز برای روان کردن سینه و رفع سرفه دانه بارهنگ را دم کرده و سپس با خاکشیر مخلوط نموده به بیمار می‌خورانند. در بعضی نقاط خاکشیر را با شیر گاو مخلوط نموده و می‌جوشانند. سپس آب آن را صاف نموده به بیماری که دچار درد سینه باشد یا سردی کرده باشد، می‌دهند. در مواقعی که شیر گاو در دسترس نباشد، خاکشیر را با آب هندوانه می‌جوشانند.

همچنین برای تغییر طبع سرد به گرمی خاکشیر می‌خورند. در برخی مناطق برای رفع یبوست خاکشیر را جوشانده به بیمار می‌دهند. علاوه بر این برای رفع نفخ مخلوطی از خاکشیر و ریشه کاسنی را بیمار می‌دهند.

ختمی: برای درمان سیاه‌باد، ابتدا گل ختمی را خیس می‌کنند تا هم نرم شود و هم عصاره آن به دست آید. سپس با مایع به دست آمده تن فرد بیمار را شستشو می‌دهند. برخی نیز برای درمان دُمَل، گل ختمی را در آب می‌خیسانند تا لعاب بیندازد، سپس فشرده ختمی را بر روی دُمَل می‌گذارند و با دستمال روی آن را می‌بندند. در برخی مناطق ختمی را «گل هیرو» می‌نامند و برای رفع یبوست، ریشه پونه را با ریشه «گل هیرو» می‌جوشانند و آب آن را به بیمار می‌دهند.

خربزه: در بسیاری موارد از هندوانه و خربزه رسیده برای رفع یبوست استفاده می‌کنند. همچنین خوردن بیش از حد معمول این میوه را در تسریع درمان این بیماری مفید می‌دانند. همچنین به هنگام این بیماری اگر تنبلی معده باعث آزار بیمار شود، از خوردن غذاهای دیرهضم و سنگین پرهیز می‌نمایند و سعی می‌کنند با خوردن خربزه و میوه‌هایی که مسهل است، بیمار را درمان کنند.

دارچین: برای درمان کمردرد، ابتدا زنجبیل، دارچین و ریشه گیاه کاسنی را مخلوط نموده بر روی تخته سنگی داغ می‌کردند. ماده به دست‌آمده که اندکی روغن به همراه دارد را نیز پس از خنک‌شدن بر روی موضع درد می‌بندند. از دارچین برای رفع سردی هم استفاده می‌کنند. در برخی مناطق برای درمان درد مفاصل از مخلوط روغن حیوانی و دارچین استفاده می‌کنند. همچنین برای افزایش مقاومت بدن در برابر گرما دم‌کرده دارچین می‌نوشد.

درمنه: اگر کودکی گوش‌درد بگیرد، ابتدا قطره‌ای از شیر مادر در داخل گوش نوزاد می‌چکانند؛ سپس پنبه‌ای که با بوته درمنه آغشته‌شده را بر روی گوش قرار می‌دهند.

زبان مادر شوهر: برای به دست‌آوردن آرامش اعصاب و یا رفع سردرد و گاه کاستن از میزان تب و لرز، گل‌های ریز و آبی‌رنگ گیاهی به نام «زبان مادر شوهر» را چیده، جوشانده و عرق آن را مصرف می‌کنند. البته بعضی هم آب آن را می‌خورند و بر این باورند که به همان اندازه تأثیر دارد.

زردآلو: برای درمان سینه‌پهلو یا سینه‌درد شیره درخت آلبالو و یا درخت زردآلو را جوشانده داخل لیوانی ریخته و می‌خورند. همچنین اگر فردی دچار کچلی شود، ابتدا هسته زردآلوی تلخ را تفت داده و سپس می‌کوبند و آن را با روغن کنجد یا روغن حیوانی آغشته می‌کنند و بر روی سر می‌مالند. برای درمان

گرفتگی سینه از چهار تخم استفاده می کنند (برای توضیح مفصل این دستور نک. به بخش بارهنگ/ بارتنگ).

زرشک: در منطقه مورد مطالعه درخت زرشک را «قره میغ^{۲۹}» می نامند. زرشک علاوه بر مصرف خوراکی روزمره در آش و دیگر غذاها به صورت لواشک نیز تهیه شده و در طی سال استفاده می شود. در کنار استفاده های روزانه زرشک از جنبه درمانی نیز استفاده می شود. درمانگران بومی ریشه درختچه زرشک را بیرون آورده و آن را در آب می جوشانند تا شیره آن را بیرون بکشند. این شیره همانند ضمادی غلیظ می شود. پس آن را بر روی کاغذ یا مقوا می مالند تا سطح آن را کاملاً بپوشانند. کاغذ حاوی شیره زرشک را در محل شکستگی بدن قرار می دهند و با پارچه روی آن را می بندند. با این کار بر این باورند که شیره ریشه درختچه زرشک باعث چسبندگی محل شکستگی شده و استخوان ها زود به هم جوش می خورد.

گاه نیز برای جلوگیری از خونریزی مقداری از پوست درخت زرشک را می خورند. همچنین بر این باورند وقتی در کوه حیوانی شکاری را زخمی می کنند، آن حیوان برای بند آمدن خون به سمت درخت زرشک رفته و محل جراحت را به بدنه درخت می مالند تا از خونریزی جلوگیری نماید. طبیبان محلی بعضی از روستاها برای رفع نگرانی و دل شوره یا کم اشتهایی جوشانده زرشک را توصیه می کنند.

زله: زله یا «زل» گیاهی است یکساله با برگ هایی زرین فام و گسترده که از راه بوته های چهاربرگی آن شناسایی می شود. (افشار سیستمی، ۱۳۷۰ ش.). برای درمان مسمومیت شدید یا رفع یبوست گل موسوم به «زله^{۳۰}» را یافته و گل های زردرنگ آن را از ساقه جدا نموده، دم کرده آن را به بیمار می خوراندند. خوردن آن باعث می شود تا غذایی که در معده انباشته شده، تخلیه و معده شستشو شود.

همچنین برای رفع سردی از زنجبیل، دارچین، قلنجان، بلگ و گل زل استفاده می‌کنند.

زنجبیل: چنانکه پیش از این ذیل «دارچین» یاد شد، برای درمان کمردرد مخلوطی از زنجبیل، دارچین و ریشه گیاه کاسنی پس از روغن‌گیری بر سطح سنگی داغ روی موضع درد مالیده می‌شود. همچنین برای رفع سردی از زنجبیل، دارچین، قلنجان، بلگ و گل زل استفاده می‌شود.

زیره: در مناطق یادشده زیره را از کوه‌های هزارمسجد جمع‌آوری می‌کنند. برای مزه‌دادن به چای نیز خوب است. آن را داخل ترشی هم می‌ریزند. زیره برای رفع سردرد نیز مناسب است. برخی هم به کسی که سردی دارد، زیره کوهی می‌دهند تا سردی بدن را رفع نماید. در زمانی که فردی تب می‌کند، زیره را با روغن حیوانی مخلوط نموده و تفت داده به بیمار می‌دهند یا این‌که ریشه کاسنی را جوشانده آب آن را به بیمار می‌دهند.

سیاه‌دانه: برای درمان نازایی دانه گیاهان طبی «بوی^{۳۱}»، «سیاه‌دانه»، «کَه‌وی^{۳۲}»، «قرص کمر»، «خُردی دَنَه^{۳۳}»، «زیره»، «شیر بایدان^{۳۴}» و نبات را با هم مخلوط نموده و می‌کوبند تا به گرد تبدیل شود. سپس گرد به دست‌آمده را با روغن حیوانی مخلوط نموده می‌جوشانند. قبل از این‌که کاملاً خنک شود، مقداری نان گندم هم به آن اضافه نموده و ماده به دست‌آمده را کم‌کم به فرد نازا می‌خورانند. در اصطلاح عامه این ماده را «رون مندو» می‌نامند.

سیب: برای نرم‌کردن سینه نوزاد دانه سیب را با مخلوطی که ذکر آن ذیل «بارتنگ» آمد، آماده کرده و به نوزاد می‌خورانند.

سیب کوهی: این میوه کوچک با اندازه‌ای در حدود سنجد و نام محلی «کال‌بجی»^{۳۵} شهرت دارد. برای درمان پادرد، دل‌درد یا از بین‌بردن سرطان، سیب کوهی می‌خورند.

سیر: برای تنظیم فشار خون، بیمار گاهی حبه‌ای سیر را گاز می‌زند. همچنین برای درمان مسمومیت به بیمار سیر و ماست می‌دهند.

سیر تالک^{۳۶}: نوعی سیر محلی به نام «سیر تالک» گلی دو رنگ است، بدین صورت که در بالای شیپوری گل آن رنگ قرمز و در انتهای آن رنگ آبی وجود دارد. برای آرامش اعصاب از آن استفاده می‌شود. این گیاه را پس از جوشاندن می‌خورند. بعضی از درمانگران هم خوردن گل، ساقه و برگ آن را توصیه می‌کنند.

شاتره: شاتره گیاهی علفی و دارای ساقه نسبتاً قوی است. برگ‌های کم و بیش سبز همراه با بریدگی‌های نازک، باریک و کوتاه دارد. گل‌های آن سفید و به ندرت صورتی است. (افشارسیستانی، ۱۳۷۰ ش.) برای درمان دل‌درد یا کمردرد و همچنین رفع ترش‌کردن معده به بیمار گیاه «شاتره» می‌دهند. در مواردی هم برای رفع درد پهلوی و از بین‌بردن نفخ، دم‌کرده گیاه شاتره را خورده و یا پهلوی را با آن گرم نگه می‌دارند. همانگونه که ذیل «حنا» ذکر شد، برای درمان رفع خارش نیز از مخلوط شاتره، ماست گاوی و حنا استفاده می‌کنند.

شلیتا یا شلبتال: «شلیتا»^{۳۷} یا «شلبتال»^{۳۸} گیاهی است دارویی از تیره ترشک، با این توصیف که برگ‌های آن دارای پرز و سطح آن کرک‌دار و خشک است. اگر فردی سرماخوردگی داشته باشد یا از مسمومیت رنج ببرد، او را مقابل تابش نور آفتاب خوابانیده و مقدار زیادی از برگ گیاه «شلیتا» بر روی بدن او می‌چینند تا تمام سطوح بدنش را بگیرد. بعد با این کار بیمار عرق نموده و بیماری بهبود می‌یابد.

شلغم: اگر در زمستان بخواهند تنگی نفس را مداوا کنند، مقداری شلغم به داخل دیگی ریخته و با آن بیمار را موقع خواب بخور می‌دهند.

شیرخشت: شیره گیاه «شیرخشت» را گرفته بر روی زخم می‌مالند تا بهبود یابد.

شیرین بیان: در گویش محلی معمولاً شیرین بیان را «سوسِرک»^{۳۹} یا «شیربایدان» یا «شیرین بادیان» یا «شیرین بایان»^{۴۰} نامیده، ولی در نقاطی هم آن را «سوزک»^{۴۱} می‌نامند. در مناطقی هم شیرین بیان، «چرم‌گیا»^{۴۲} یا «چرپه‌گیا»^{۴۳} نامیده شده است.

شیرین بیان در این منطقه جغرافیایی بیش از همه بر دو گونه است: آن نوع که بیشتر در بیابان‌های اطراف می‌روید را یافته و ریشه آن را درآورده و پوست آن را کنده و ریشه آن را خشک می‌کنند. بعد ریشه خشک‌شده را کوبیده تبدیل به گرد می‌کنند. گاه گرد به دست آمده را داخل قروت، اشکنه و دوغ می‌ریزند.

ریشه یا برگ گیاه «چرم‌گیا» را کوبیده با روغن زرد می‌مالند تا خوب عمل بیاید. سپس شکسته‌بند محل آسیب‌دیده را ترمیم می‌کند. ماده تهیه‌شده را بر روی محل شکسته گذاشته «آتل‌بندی» می‌کنند و روی آن را با پارچه می‌بندند. در مواقعی که پا خشک شده یا مفاصل فردی درد بگیرد یا در قسمتی از بدن زخمی چرکی باشد یا از گوش کسی چرک بیرون بیاید، گیاه «چرپه‌گیا» را از کوه چیده و ریشه آن را می‌جوشانند. سپس صاف کرده اندکی آرد به آن اضافه نموده بر روی پایی که به اصطلاح دچار خشکی شده یا قسمتی از بدن که دارای زخم چرکی باشد، یا لاله گوش چرک‌دار و مفاصل درد گرفته می‌بندند.

بیمار مبتلا به زخم معده اگر به مدت یک‌ماه بعد از غذا یک قاشق مرباخوری از این دارو بخورد، زخم معده‌اش بهبود می‌یابد. نوع دیگر این گیاه شبیه شوید

است. معمولاً زنان نازا از آن می‌خورند تا اصطلاحاً باد از بدن‌شان خارج و سپس باردار شوند. در مواقعی که معده کسی اصطلاحاً ترش کرده مقداری گرد ریشه شیرین‌بیان به داخل آش ریخته به بیمار می‌خورانند. در باور مردم ریشه گیاه شیرین‌بیان درمان‌کننده تمام امراض است. علاوه بر آن برای کاستن از دل‌درد بیمار خوشه شیرین‌بیان را همراه قند به بیمار می‌دهند. گاهی نیز برای رفع دل‌درد کوچک و بزرگ تخم شیرین‌بادیان را کوبیده و با کف دست آن را می‌خورند. در موارد دیگر دانه آن را در داخل خمیر ریخته و همراه نان می‌خورند. برخی نیز به پنیر اضافه کرده و آن را با نان می‌خورند.

عناّب: عناّب میوه درختی است به بلندی دو تا هشت متر، دارای ساقه‌های خاردار، برگ‌های کوچک بدون کرک و شفاف. در مناطق کرمانج‌نشین عناّب را دم کرده، به بیمار می‌دهند. با این کار روند بهبود آبله را تسریع می‌بخشند.

قره‌قات: «قره‌قات»^{۴۴} درختچه‌ای است نادر که بیشتر در ارتفاعات هزارمسجد می‌روید. میوه‌ای گرد، شبیه زرشک با رنگ زرشکی تیره مایل به سیاه دارد. دم‌کرده گردِ دانه «قره‌قات» را به منظور تنظیم فشار خون، مداوای عفونت معده و روده و رفع یبوست به بیمار می‌دهند.

قیطرمه: برگ و ساقه گیاه طبی «قیطرمه»^{۴۵} را (گیاهی یک‌ساله با ریشه‌ای مثل هویج و ساقه‌ای همانند جعفری) را چیده بر روی موضع متورم گوش یا فک و گلو می‌گذارند تا به اصطلاح چرک‌های زیرپوستی را بکشد و پوست از حالت متورم بیرون بیاید. در نواحی دیگر نیز قیطرمه را برای رفع دل‌درد نیز مفید دانسته‌اند. (جانب‌اللهی، ۱۳۹۰ ش.)

کاج: برای درمان سردرد شیره درخت کاج را همانند سقز می‌جوئد. گاه نیز مخلوطی از کوبیده تخم کاج را همراه با قند و نبات می‌خورند.

کاسنی: ریشه کاسنی (در گویش محلی «قسمی» یا «قسنی») را ابتدا جمع‌آوری کرده و شیرۀ آن را گرفته برای رفع درد زایمان و درد دل زنان همراه با شکر یا خاکه‌قند مخلوط نموده بعد آن را به گرد تبدیل نموده و می‌خورند. برای از بین بردن دل‌درد یا رفع ترش‌کردن معده و کاستن از درد زایمان و دندان‌درد ریشه گیاه کاسنی را کوبیده تبدیل به گرد می‌کنند. بعد مقداری نبات به آن اضافه نموده و به اندازه کف دست به بیمار می‌دهند. در مواردی هم برای کاستن از درد زایمان ریشه گیاه کاسنی را جوشانده و آن را صاف نموده هر روز به صورت ناشتا به زن باردار می‌خورانند تا درد کم‌تری داشته باشد. همچنین برای درمان بیمار غشی مقداری از ریشه کاسنی را دود کرده در مقابل بینی بیمار می‌گرفتند تا استشمام کند بر این عقیده که درد او بر طرف می‌گردد.

در برخی نقاط برای درمان دل‌درد و ترش‌کردن معده و کم‌اشتهایی مخلوطی از گیاه طبیبی با گل زردرنگ، بیرمنخودی، کاسنی و گندک‌کما به بیمار می‌دهند. در برخی مناطق هم شیرۀ ریشه گیاه کاسنی برای رفع دل‌درد، ترشی معده، عفونت روده و معده خوب است. برخی هم برای درمان دل‌درد ریشه کاسنی را می‌کوبند و درون آش و غذا می‌ریزند. البته کاسنی در شمار گیاهانی قرار دارد که نفخ را از بین می‌برد.

در برخی روستاها کسی که تب می‌کرد به اصطلاح می‌گفتند «قزومه»^{۴۶} کرده است. برای درمان ریشه کاسنی را جوشانده آب آن را به بیمار می‌دادند. اگر کودکی دل‌درد می‌گرفت، پودر ریشه کاسنی را به او می‌خوراندند. برای این‌که کودک بتواند به راحتی آن را بخورد، مقداری نبات به آن اضافه می‌کردند تا تلخی آن کم‌تر شود. همچنین برای درمان دندان‌درد و کم‌کردن از درد آن روی دندان

به اندازه نخود شیره گیاه کاسنی را قرار داده و مدتی آن را روی دندان نگه می‌دارند. برخی نیز شیره بوته کتیرا را گرفته بر روی دندان می‌گذارند.

بسیاری از درمانگران محلی برای کاستن از خواب زیاد به مدت چهل روز و هر روز مقداری عرق کاسنی تجویز می‌کنند. در برخی نقاط روستایی برای بندآمدن استفراغ یا بهبود زخم معده گرد ریشه کاسنی را با نبات مخلوط کرده و استفاده می‌کنند، ولی اگر بیمار دچار نفخ باشد، مخلوطی از خاکشیر و ریشه کاسنی را به بیمار می‌دهند. همچنین اگر معده شخصی ترش کند، کاسنی با نبات مخلوط نموده به بیمار می‌دهند. آن‌سوتر استفاده مستمر از کاسنی علاوه بر تمام نقاط ایران در بندر گز نیز استفاده فراوان دارد. (شمس‌الدینی، ۱۳۹۰ ش.).

کتیرا: برای درمان دندان‌درد و کم‌کردن از درد یا از بین‌بردن آبسه آن روی دندان به اندازه نخود، شیره بوته کتیرا را گرفته بر روی دندان می‌گذارند. اگر بیماری از جوش داخل گلو و زبان رنج ببرد، شیره کتیرا در دهان گذاشته و آن را می‌مکد. علاوه بر آن برای درمان گرفتگی سینه از چهارتخم شامل کتیرا استفاده می‌کنند (برای توضیح مفصل این دستور به بخش بارهنگ/بارتنگ نگاه کنید).

کنجد: برای تقویت سیستم ایمنی بدن و تنظیم فشار خون کنجد را آسیاب کرده و روغن آن را می‌گیرند (البته این کار در گذشته توسط آسیاب گاوی انجام می‌شده است). از آن علاوه بر تقویت بدن و صاف و تمیز کردن سیستم ایمنی بدن، کمک می‌کند تا فشار خون هم متعادل شده و بیمارانی که دارای فشار خون بالا هستند، آن را تقلیل می‌دهد. در بعضی نقاط روغن کنجد را به عنوان تقویت‌کننده مو به سر می‌مالند. بعضی هم ابتدا هسته زردآلوی تلخ را تفت داده و می‌کوبند تا به گرد تبدیل شود. سپس روغن کنجد یا روغن حیوانی به آن اضافه کرده و برای رویش مو به سر می‌گذارند.

گردو: درخت گردو زمان گرده‌افشانی و گل‌دهی معمولاً خوشه‌هایی از خود بیرون می‌دهد که برای درمان پادرد و بازکردن رگ پا مناسب است. درمانگران این خوشه‌ها را چیده و دانه‌های ریز آن را همانند چای دم کرده و می‌خورند. برخی دیگر نیز عرق آن را گرفته به بیمار می‌دهند. در مواردی نیز برای تسکین درد، خوشه‌ها را بر روی موضعی که درد دارد، می‌گذارند. این خوشه‌ها خاصیت گرمی دارند. در بعضی نقاط ابتدا گردو را در زیر اجاق می‌گذارند تا به اصطلاح مغز آن نرم شود. سپس مغز گردوها را بیرون می‌آورند و روغن مغز گردوها را گرفته و به مناطقی از کمر که بیش از بقیه نقاط درد می‌کند، می‌مالند. گردو برای گرمی بدن خوب بوده و از سردی طبع جلوگیری می‌کند، اگر کسی سردی کند، بدن او شل می‌شود. در تمام نقاط مورد مطالعه معمولاً برای این که بدن تقویت شود و دفع سردی نمایند از گردو استفاده می‌کنند.

گزنه: در حوزه مورد مطالعه برای تنظیم قند خون و از بین بردن و کم کردن ناراحتی قلبی، برگ گیاه «گزنه» را که در گویش محلی به آن «گزگز»^{۴۷} می‌گویند، استفاده می‌کنند. بدین صورت که آن را داخل آش ریخته به بیمار می‌دهند. یا این که آن را خشک نموده و و بعد استفاده می‌کنند. بعضی درمانگران هم عرق آن را گرفته به صورت مایع استفاده می‌کنند.

گل بیده: گل بیده^{۴۸} برای شکم‌درد و دل‌درد خوب است.

گل پیوک / گل پیو: گل پیوک^{۴۹} یا گل پیو^{۵۰} نوعی از انواع چای محلی است که بیشتر در ارتفاعات می‌روید. گل پیوک همانند «آنخ» در کوهستان‌های شن‌زار می‌روید و گل‌های بنفش، زیبا و پشم‌آلود دارد.^{۵۱} به بچه‌ای که سرماخوردگی یا درد سینه دارد، «گل پیوک» می‌دهند تا قرقره کند. گاهی دم‌کرده آن را به کودک می‌دهند تا بخورد. بعد از آنکه کودک آن را خورد بدنش عرق کرده و

سلامت خود را باز می‌یابد. برخی نیز به فرد سرمازده دم‌کرده «گل‌پیوک» می‌خورانند. اگر فردی دچار سرفه متعدد شود «گل‌پیوک» را دم کرده و به او می‌دهند. برخی درمانگران برای دفع انگل و کرم روده و یا کاستن از درد معده و ناراحتی قلبی، گل گیاه «گل‌پیوک» را همانند چای دم نموده و به بیمار می‌دهند. در مواردی هم برای کم کردن تب و لرز و شکم‌درد دم‌کرده آن را مصرف می‌کنند. **گل چغفر:** بومادران در گویش محلی به نام «گل چغفر»^{۵۲} معروف و استفاده دارویی فراوان دارد (برای از بین بردن سردرد و تصفیه خون کثیف یا بند آوردن خون‌دماغ به «بارتنگ» نگاه کنید).

اگر حشره‌ای موذی در گوش رفته باشد، آن را با موچین یا انبر باریک از گوش بیرون می‌آورند. در بعضی مواقع گل چغفر را از کوه چیده و می‌جوشانند. بعد اندکی از آب آن را در داخل گوش می‌چکانند.

گل دختری: «گل دختری» نوعی از گل شقایق وحشی با برگ و گل‌های کوچک‌تر است. رنگ گلبرگ‌های آن متمایل به صورتی است و در مناطق کرمانج‌نشین رشد و نمو می‌کند. برای تنظیم فشارخون و یا رقیق کردن خون و همچنین التیام زخم، برگ و گل گیاه «گل دختری» را جوشانیده و آب آن را استفاده می‌کنند.

گل گاوزبان: در گویش محلی به گل گاوزبان «گل گوزمان»^{۵۳} می‌گویند. برای رفع تنگی نفس یا مداوای سل، از گل گاوزبان به جای چای استفاده می‌کنند. درباره درمان نیز بر این باورند که دم‌کرده گل گاوزبان باعث رفع تنگی نفس و درمان بیماری سل می‌شود. در برخی نقاط برای رفع درد معده یا درمان سردرد و التیام ناراحتی قلبی دم‌کرده گل گاوزبان را به بیمار می‌دهند. در مواردی هم برای تقویت اعصاب یا رفع بی‌خوابی و از بین بردن ترس، گل گاوزبان دم کرده و می‌خورند. در برخی روستاها آن را «گوزگوزونک»^{۵۴} نامیده و برای تقویت قلب ریشه آن را

دم کرده می‌خورند. برای فصول دیگر سال برگ و ریشه آن را خشک کرده و بعد نگهداری نموده در مواقع لزوم از آن استفاده می‌کنند.

در تمام نقاط ایران برای مثال در حوزه آبدانان استفاده از گل گاوزبان برای تسکین بسیاری از دردها استفاده می‌شود. (سلیمی مؤید، ۱۳۹۰ ش.)

گل محمدی: در گویش محلی گل باغین^{۵۵} همان گل محمدی است. برخی برای درمان یبوست شب هنگام به همراه شکر چند قاشق از عرق گل محمدی می‌خورند. **گندک کما:** گیاهی کوهی موسوم به «گندک کما»^{۵۶} نوعی از گیاه آنگوزه محسوب شده و آن را بعد از چیدن خشک نموده و می‌کوبند. بعد از جوشاندن آب آن را جهت ضد عفونی کردن زخم استفاده می‌کنند. برای این‌که زخم سرباز کرده و چرک و عفونت آن بیرون بریزد، مقداری از گرد آن را روی زخم گذاشته و می‌بندند. علاوه بر آن برای بهبود زخم، ابتدا گیاه «گندک کما» را یافته و ریشه آن را از خاک بیرون می‌کشیدند. سپس ریشه را شسته و با دست به هم پیچانده و مچاله می‌کردند تا آب ریشه بیرون بزند. بعد ریشه آبدار را بر روی زخم گذاشته با پارچه آن را بر روی زخم می‌بستند.

گندم: برای درمان زکام گندم جوشانیده شده را درون ظرفی ریخته و به وسیله آن بیمار را بخور می‌دهند. برای این کار پارچه‌ای بر روی سر بیمار انداخته تا هنگام تنفس بخور کاملاً به مجرای تنفسی او نفوذ نماید.

گنه‌گنه: گنه‌گنه، درخت جنگلی بزرگی با ساقه‌ها و شاخه‌های بلند و برگ‌هایی به رنگ سبز روشن است. نوعی از این درخت در منطقه وجود دارد که به «دار گنی»^{۵۷} معروف است. اهالی پوست درخت مذکور را کنده و می‌جوشانند. سپس محلول به دست‌آمده را به نقاطی از بدن (سر و صورت و دست) که پشه سالک آنجا را نیش زده مالیده یا این‌که می‌شویند. با این کار بر این باورند که هم پیشگیری

کرده‌اند و هم سالک را درمان نموده‌اند. گاهی نیز گلودرد و زخم ناحیه دهان را با همین محلول با روش غرغره کردن و دهان‌شویه درمان می‌کنند. همچنین از گنه‌گنه برای بریدن تب و لرز استفاده می‌شود.

لیمو: برای تنظیم فشار خون گاه بیمار آب لیمو می‌خورد.

مرزه کوهی: مرزه کوهی برای مزه‌دارشدن و کمک به هضم غذا مؤثر است. به همین دلیل آن را در اشکنه و دیگر غذاها می‌ریزند.

منداب: پوست درخت بید را به همراه منداب یا به اصطلاح روغن «مندو»^{۵۸} می‌جوشانند. ماده به دست‌آمده را بر روی نقطه‌ای از دست و پا که دچار گرفتگی شده یا دارای درد در ناحیه کمر باشند، می‌مالند. گاهی نیز برای رفع چشم‌درد دوده روغن مندو را با چوب کبریت به داخل چشم می‌کشیدند. برای درمان درد پا، مقداری روغن مندو که از تخم گیاهی به همین نام گرفته می‌شود، برای بهبود پادرد یا دفع باد پا بر روی پاها می‌مالند. در مواردی هم روغن گیاه مندو را به افراد نازا می‌خورانند.^{۵۹}

موسیر: موسیر (در گویش محلی «قرقه‌دیلی»^{۶۰}) به صورت خودرو و دیمی در ارتفاعات می‌روید. معمولاً «قرقه‌دیلی» را بعد از برداشت به مدت هفت روز در آب خالص می‌خیسانند. سپس پوست آن را می‌گیرند و مغز آن را به داخل ماست می‌ریزند. این کار باعث می‌شود ماست اندکی ترش‌مزه و ملمس شود. خوردن آن برای هضم غذا بسیار مناسب و مفید است. گاهی برای رفع مسمومیت به بیمار ماست و موسیر می‌دهند تا بهبود یابد.

میخک محلی: برای بریدن تب و کم کردن دمای بدن نوعی از انواع گیاه میخک موسوم به «هل میخک»^{۶۱} را می‌خورند. علاوه بر آن خوردن آن باعث می‌شود در فصول گرم سال فرد در برابر گرم‌زدگی مقاوم شده و اذیت نشود.

هندوانه: برای راه‌افتادن شکم و رفع یبوست، از هندوانه و خربزه رسیده استفاده و بیمار زیادتر از حد معمول از این دو میوه می‌خورد، ولی برای دفع سنگ کلیه بعضی به مقدار زیاد هندوانه می‌خورند. تعدادی از مردم با پوست هندوانه مربا درست کرده و آن را می‌خورند، زیرا بر این باورند که مربای پوست هندوانه سنگ‌های ریز داخل کلیه را دفع می‌کند. در برخی مناطق برای رفع درد پهلوی معمولاً آب هندوانه خورده و پهلوی را گرم نگه می‌دارند. برای درمان زردی و سینه‌درد خاکشیر را با آب هندوانه جوشانده و می‌خورند. در مواردی هم برای زردی تنها به خوردن هندوانه اکتفا می‌کنند. برای دفع سنگ مثانه، شب قبل از خواب به بیمار هندوانه‌ای موسوم به محبوبی می‌دهند تا به مقدار نسبتاً زیادتر از حد متعارف بخورد. با خوردن هندوانه زیاد از بیمار به مقدار زیاد ادرار خارج می‌شود و سنگ‌های داخل مثانه نیز همراه ادرار بیرون می‌آیند.

هندوانه ابوجهل: هندوانه ابوجهل در این منطقه گیاهی خودرو است. پس از رسیدن در ماه مرداد خودبخود می‌ترکد و درمانگران دانه‌های آن را جمع می‌کنند. برای درمان قند خون یا چربی خون دم‌کرده دانه‌های آن را قبل از صبحانه به بیمار می‌دهند.

هوش: هوش^{۶۲} درختچه‌ای است محلی که بیش از همه در کوه‌های هزارمسجد می‌روید. بخور گل و برگ آن جنبه درمانی دارد. در گویش محلی به نوعی از سرماخوردگی که همراه با درد بینی و گلو باشد، «آری^{۶۳}» می‌گویند. اگر این سرماخوردگی حاد شود، به طوری که پوست بینی بیمار از درون و بیرون آسیب دیده باشد یا زخم گردد، معمولاً بیمار را با گیاه «هوش» بخور می‌دهند.

گیاه «هوش» را در ارتفاعات هزارمسجد می‌یابند، این گیاه درختچه‌ای بزرگ است و گل‌هایی آبی‌رنگ با بویی بسیار مطبوع دارد. پس از گردآوری گل‌های

«هوش» را در دیگی می‌جوشانند، آب آن را صاف می‌کنند و به بیمار می‌خورانند. در برخی موارد آب به دست‌آمده را در لگن یا تشت بزرگی می‌ریزند و بیمار را بالای آن می‌نشانند، سپس پارچه‌ای به سر بیمار می‌کشند و قلوه‌سنگ‌هایی کاملاً داغ را در آب می‌اندازند. بخاری که به دست می‌آید، هنگام تنفس به داخل ریه و بینی بیمار می‌رود و موجب بهبود می‌شود. این عمل سه تا چهار بار در روز انجام می‌شود تا بیمار رو به بهبودی رود. همچنین برای درمان گرفتگی صدا خیس‌انده گیاه «هوش» را همراه با آب می‌خورند یا به شیوه یادشده بیمار را بخور می‌دهند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به شیوه قوم‌نگاری با رویکرد پزشکی سنتی (بومی) با حضور در محل تحقیق شامل دوازده نقطه روستایی و شهری از طریق مصاحبه رودررو با مطلعان و درمانگران محلی به عمل آمده است. در این روش تنها به دانش امروزی بسنده نشد و برای به دست‌آمدن نتیجه بهتر و مؤثرتر، برخی از رویدادهای تاریخی مرتبط با پزشکی قومی نیز گردآوری شده است. مایکل استنفورد (۱۳۸۲ ش.) در این باره می‌نویسد: «پژوهش علم اجتماعی توأمان هم اساساً تاریخی است و هم اساساً و ذاتاً تاریخی نیست. تاریخ پزشکی جزء آن دسته از حوزه‌های دانش بشری است که دستیابی به شناخت حقیقی در آن بسیار نامحتمل است.» از گذشته تاکنون کرمانج‌های شمال خراسان، با تکیه بر دانش محلی و تجربه‌ای توأم با تکرار، برای رفع و تسکین دردها، امراض و بیماری‌های جسمی و روحی خود از درمان‌های خانگی، محلی و بومی مبتنی بر استفاده از گیاهان داروهای بهره برده‌اند. هدف ما بررسی داروهای گیاهی و برشمردن فواید آن‌ها در باور کرمانج‌های شمال خراسان بوده است. با توجه به موقعیت اقلیمی، محیطی و تعدد گیاهان دارویی در کنار درمان‌های اولیه در این حوزه معرفی گیاهان دارویی از ابعاد و جنبه‌های گوناگون درخور تأمل و ارزیابی است.

پی‌نوشت‌ها

1. Toršak
2. Kaketo
3. Ânex

۴. نک. افشار سیستانی، ۱۳۷۰ ش، ص ۲۸۰.

5. Ânquza
6. Irânluti
7. Eyramluti
8. Kelkeli
9. Marx
10. Qârne yârox
11. Qân yâroq
12. Alamčuk
13. Angour-e-reyvi
14. Aveling
15. Avileng
16. Kanafče
17. Bârtang

۱۸. نک. نظری داشلی‌برون، ۱۳۸۴ ش، ص ۴۵۵.

19. Jujek
20. Biram noxodi
21. Bira noxodi
22. Puda
23. Bung
24. Balag
25. Helimixak
26. Qodus
27. Uqânôč
28. Xijabânu
29. Qara miq
30. Zela
31. Buy
32. Kaviya
33. Xurdidana
34. Širbâydân
35. Kâlbaji
36. Sir tâlak
37. Šalpatâ
38. Šalbatdâl
39. Suserak

40. Širinbâyan
41. Suzek
42. Čarmegiâ
43. Čarpagia
44. Qaraqât
45. Qeytarma
46. Qezerma
47. Gazgaz
48. Gole- bide
49. Golpapuk
50. Golpapo

۵۱. نک. افشار سیستانی، ۱۳۷۰ ش، ص ۲۸۰.

52. Aqarč
53. Golgozamân
54. Gozgozonak
55. Golebâqin
56. Gandakkamâ
57. Dârgani
58. Mandu

۵۹. نک. شکورزاده، ۱۳۶۳ ش، ص ۲۳۸.

60. Qarqadili
61. Helmixak
62. Huš
63. Âri

فهرست منابع

استنفورد، م. (۱۳۸۲ ش). *درآمدی بر فلسفه تاریخ*. ترجمه احمد گل محمدی. تهران: نشر نی، ص ۱۹۷.

افشار سیستانی، ا. (۱۳۷۰ ش). *پزشکی سنتی مردم ایران*. تهران: ناشر مؤلف، چاپ اول، صص ۱۱۷ و ۲۸۰.

جانب‌اللهی، م-س. (۱۳۹۰ ش). *پزشکی سنتی و عامیانه مردم ایران*. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ص ۳۳۷.

سلیمی مؤید، س. دامیار، م. (۱۳۹۰ ش). *آبدانان. پیام بهارستان*. دوره دوم، سال سوم، شماره سیزدهم (ویژه طب سنتی)، صص ۲۷-۳۱.

شکورزاده، ا. (۱۳۶۳ ش). *عقاید و رسوم مردم خراسان*. تهران: انتشارات سروش، چاپ دوم، ص ۲۳۸.

شمس‌الدینی، م. مزارعیان، خ. (۱۳۹۰ ش.). گناوه. پیام بهارستان. دوره دوم، سال سوم، شماره سیزدهم (ویژه طب سنتی)، صص ۸۱-۳۷۶.

ناصری، م. (۱۳۸۳ ش.). طب سنتی ایران و توسعه آن با استفاده از رهنمودهای سازمان جهانی. دو ماهانه علمی - پژوهشی دانشور پزشکی دانشگاه شاهد. سال یازدهم، شماره پنجاه و دوم، صص ۵۳-۶۸.

نظری داشلی‌برون، ز. (۱۳۸۴ ش.). مردم‌شناسی روستای /بیانه. تهران: پژوهشکده مردم‌شناسی، چاپ اول، ص ۴۵۵.

یادداشت شناسه مؤلف

سلیم سلیمی مؤید: کارشناس ارشد پژوهشکده مردم‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران، ایران.

پست الکترونیک: Masumeh_Rakhsha@yahoo.com

The role of plants in the treatment of human diseases in Khorasan Kurmanjis

Salim Salimi Moayed

Abstract

Research in traditional herbal and non-herbal medicine is one of the important items in anthropological studies. This study deals with theories of herbal treatments, non-herbal treatments, treatment by praying and orison, magic treatment and in some cases spell, and such things. Aromatherapy (herbal treatment) represents the ethnic culture and practical experience in the prevention and treatment of diseases in ancient eras. This paper tries to explain the use of medicinal plants among Kurmanjis in the towns of Kalat Naderi, Dargaz and Ghouchan examined. In these areas, treatment by local plants has an utmost importance and many diseases and conditions are treated by surrounding plants or they can be prevented from occurring. The use of local plants for the treatment in Khorasan Kurmanji region has been predominantly dependent on environmental conditions, climate and ethical requirements.

Therefore, in this study we have attempted to carry on our research based on naming the plant, method of treatment, ways to convert plant to extracts and essences, herbs parts used as medicine, dosage of usage, time of usage, value, and so on for the prevention and treatment of diseases research and have recorded the results.

Keywords

Traditional Healers, Traditional Medicine, Khorasan, Kurmanj